سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

پیکار

۴۲

دوشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۸ — بها ۱۵ ریال

اولین سالگرد قیام مسلحانه ۲۲ بهمن را به کارگران، زحمتکشان و تمامی خلقهای ایران تبریک میگوئیم

درسهای قیام برای کارگران و زحمتکشان

با نزدیک شدن قیام توده‌ها تمام خلاقیت خود را بکار گرفتند و با استفاده از بمب های آتش زا علیه پلیس، و با سنگر بندی در خیابانها خود را برای مبارزه قطعی آماده نمودند

صفحه ۲

حزب توده از مشروطه خواهی تا قیام خلق

- سال ۱۳۵۰ — احسان طبری رویزیونیست: هدف مبارزه ما اجرای آن مقرراتی است که در قانون اساسی ما تاکنون پنج شاه به اجرا و حفظ آن سوگند یاد کرده اند"!
- سال ۱۳۵۷ — وتنها ۲ ماه قبل از قیام حزب توده از مراعات قانون اساسی سخن می گوید ...!
- سرانجام که دیگر قیام حتمی است، حزب توده فرصت طلبانه شعار "قیام مسلحانه" را می دهد!

صفحه ۱۰

یکسال پس از قیام: مصاحبه با یک کارگر زن

صفحه ۳

خاطرات رفیقی از مرکز زرهی شیراز در روز ۲۲ بهمن:

چگونه نیمسار فلاحی تا آخرین لحظه در مقابل مردم ایستاد

سرهنگ مالک با بیسیم به نیمسار فلاحی: مردم خیلی بما نزدیک شده‌اند و اگر بخواهیم جلوگیری کنیم، همهٔ آنها کشته میشوند.

نیمسار فلاحی: مقاومت کنید الان هلیکوپتر بکمک شما میفرستم!

صفحه ۴

"سیل" بجای "باران رحمت"!

صفحه ۶

درود بر تمامی شهدایی که در راه واژگونی سلطنت و محو سلطهٔ امپریالیسم جان خود را فدا کردند

درسهای قیام برای کارگران و زحمتکشان

با در این مقاله پس از شرح مختصری از مبارزات مردم در پیش از قیام به ارزیابی از قیام بهمن ماه می پردازیم و درسهای آن را مورد بررسی قرار می دهیم. زیرا بدون تحلیل صحیح از تجربه های مثبت و منفی مبارزات گذشته نمی توان مبارزه و انقلاب را بمنحو درستی به پیش برد و آن را به پیروزی کامل رساند.

کارگران و مردم زحمتکش ما همیشه علیه رژیم شاه جانش و ارباب بی مبارزه میکردند. زیرا شرایط غیر زندگی آنان را به مبارزه وا میداشت. زحمتکشان ما در اسارت و فقر بوده و از آزادی محروم بودند و منبع سرمایه داری را لوصف و امپریالیستها و کارگزارانشان به سرپنجه تکنیکه و رندان بر آنان حکومت میکردند. مردم ما مبارزه میکردند چون تحت استثمار و ستم و حقیر نه قرار داشتند.

مبارزات مردم در دوران اخیر با جنبش خانه سازی در خارج از محدوده در سال ۱۳۵۶ اوج بی سابقه و وارد مرحله نوینی گشت. این جنبش که زحمتکشان در آن شرکت داشتند شکل قهرآمیز داشت و حمله آن متوجه دستگاههای سرکوب دولت شاه بود. دیگر مردم دریافته بودند که ضرورت دارد تا شکل گسترده و توده ای وارد میدان مبارزه شده و مبارزات خود را فضای سیاسی جامعه و رژیم حاکم بیشتر و عمیق را در موجهای پی در پی آن جوهری سازند.

در خارج از محدوده محروم زحمتکشان طوفان مبارزاتی را برپا کرده بودند و بدنبال آن امواج خروشان جنبش توده ها با شعارهای سیاسی ما بیشتر:

"مرگ بر شاه"، "مرگ بر این حکومت فاشیستی"، "مرگ بر آمریکا"

دامنه میگرفت. مردم به این نتیجه رسیده بودند که برای دستیابی به خواستهای انقلابی خود مثل اعتراض آزادی و غیره سیاسی بهیچوجه کافی نیست و برای آزادی کامل خود باید با رژیم وابسته و خونخوار حاکم و حکومت ضد انقلابی او سطر قهرآمیز و انقلابی رفتار کرده. آنان به این نتیجه رسیده بودند که باید مبارزات پیگیری را بخلو ببرد که تجربه سرنگونی رژیم سرمایه داران وابسته کرده.

در همان زمان که امپریالیستها با سرنگون کردن ارتش آزادی گدائی میکردند دانشجویان انقلابی در آبان ۵۶ بلند شدند و به مراکز سرمایه امپریالیستی یعنی بانکها حمله ور شده. بیش از ۷۳ بانک را ویران میکنند و سپس با برنامه های مردم گدایان آمده بودند دامنه مبارزه را با رهگشائی می دهند. در دیماه ۵۶ مردم قهرمان قم بلند شدند ولی ارتش مزدور شاه آنان را که مسلح نبودند سرکوب میکند. پس از آن در بهمن ماه همان سال مردم دلاور تبریز خواستار سیدا علیه رژیم شدند اگر بهلوی وارتش شاه قیام کرده و از خود ارتش دستها بخرج می دهند. جنبش تبریز نشان داد که مبارزات قبلی یک تحول است. زیرا این مبارزه شکل عالیتر یعنی جنبش توده ای و قیام شکل بیدا کرده. از نظم و آرامش

قوای بیشتری برخوردار بوده و با توسل به تمهیدات آنان را به عملیات قهرآمیز و انقلابی علیه مراکز دشمن مانند بانکها، موسسات فرهنگی امپریالیستی کلانتریها و نیروهای ارتش دست میزند.

پس از قیام تبریز خبرهای مبارزاتی مردم سراسری شده و در تمام ایران گسترش پیدا میکند و هر جا مبارزه رخ میکند، توده ها از خود گذشتگی بیشتری از خود نشان داده و آگاهی و تجربه عملیات خود را ارتقاء میدهند. جنبش خلقها رژیم شاه و ارباب آن آمریکا شیطان

کارگر دارای تمرکز قاطعی در سازمان تولید بوده و حضور او در جبهه مبارزاتی به جنبش مردم عمق و استحکام بیشتری می بخشد.

طبقه مبارزات انقلابی کارگران و توده های زحمتکش خود را بیشتر متمرکز یافته و شکل حادتری بخود میدهد. این نیروها بطور خودجوشی گاه شکل مسلحانه نیز بخود میگیرد. منافقانه این مبارزات فاقد رهبری واحد انقلابی و منسجم است و از یک تشکیلات و سازماندهی مناسب برخوردار نیست ولی علیرغم این کمبودهای اساسی مبارزه خانه مردم تضادهای درونی ضد انقلاب را بخوبی بارز ساخته و آنان را دستخوش تزلزل درونی بیشتری نسبت به رژیم شاه و اولیای دارد تا شیوه های قبلی حکومت را بظاهر نمیپذیرد و هر چه وقت بیشتر

- اوج نوین مبارزات خلق از جنبش خانه سازی در سال ۱۳۵۶ آغاز گشت و در اعتلای بعدی خود به حرکت آبان ۵۶ دانشجویان انقلابی، دیماه ۵۶ مردم مبارز قم و بهمن ۵۶ تبریز قهرمان و . . . منجر گشت.
- در جریان قیام، توده ها عمدتا بشکل خودبخودی به تشکیل کمیته های اعتصاب و شوراهای کارخانه، محلات، ادارات و . . . دست زدند، و بدین ترتیب نطفه های قدرت شوده ای و انقلابی را بوجود آوردند.

را به استقلال و دمکراسی بیشتر و بیشتری می کشاند و هر روز تضادهای درونی او را بیشتر هم بیشتر می بخشد. طبقه کارگر ایران که با تعطیل کارخانه ها اعتصابات و تظاهرات در مبارزات سال ۵۷ شرکت جسته بود، در ادامه تکامل حرکت خود در بیکاری را بر رژیم شاه وارد میسازد. به این صورت که کارگران صنعت نفت به اعتصاب سیاسی قاطعی دست زده و نیروهای نفت را بسوی جهانخواران سلطه و رژیم شاه در تیاب سیاسی - اقتصادی بیلکی وارد می آورد. این مبارزه انقلابی یک بار دیگر نشان داد که طبقه

صدوقت دولت و تخت وزیری را بخوبی نمایند. در مقابل ضربات گوینده جنبش مردم و خشم آنها ضد انقلاب به سرکوب متمرکز روی می آورد تا بتواند جنبش را خاموش کند. در ۱۷ شهریور ۵۷ رژیم به بیرون وحشیانه ای دست زده و هزاران نفر از مردم آزادی خواه خلق ما را قتل عام می نماید. رژیم به تصور میکرد که با این کشتار بیشتر توانسته در صف انقلاب ایجاد و آنها را دچار عقب نشینی نماید، ولی مردم تصمیم خود را برای واژگون نمودن

بقیه در صفحه ۷

یکشنبه بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷ - تصاویر ارتش تهران، با آنهمه ساز و برگ سبک و سنگین، در برابر سیل خروشان رزمندگان، نیاز به کمک داشتند. تانک و زره پوش ارتشی، از گرمانشاه حرکت کردند که ارتش تهران را در سرکوب مبارزان راه آزادی، یاری رسانند. اما... اما مگر مردم همدان گذاشتند. این دلاوران، در پورشی منظم و سرسخت، هر ۵۱ تانک و زره پوش را از حرکت باز داشتند و نیروی کمکی را تصرف کردند تا خیال صاحبان مرکز راحت باشد.

قیام ۲۲ بهمن ماه نشان داد که تنها خلق مسلح میتواند سلطنت را واژگون و بر امپریالیسم ضربه وارد کند

یکسال پس از قیام:

مصاحبه با یک کارگر

سیمای جامعه طبقاتی و سرمایه‌داری آنچنان در کشوری نظیر کشور ما بسیار زشت و کریه است. سرمایه‌داران چاشنی‌دار الوکارگران را استثمار می‌کنند، و وقتی به آنها نیاز ندارند کارخانه و موسسه خود بیرون می‌کنند، به پای سخن یک کارگر زن که دوست دارد بر اساس آنچه او با حاصل رنج خویش زندگی کند، ولی کار نیست، می‌نشینیم:

س - دلتان می‌خواهد کار کنید؟

ج - خیلی زیاد. دلم می‌خواهد خودم روی پای خودم بایستم. آینده را خودم انتخاب کنم. ولی با طرح‌هایی که می‌آیند دور است. آدمی که در کنج خانه مانده مثل اینست که در قفس است. دلم می‌خواهد خودم با حاصل زندگی خودم باشم نه اینکه بمن بگویند چکار کردن را بدانی.

س - راجع به مسائل سیاسی چه فکر می‌کنید؟ آیا در انتخابات شرکت کرده‌اید؟

ج - در انتخابات جمهوری اسلامی و مجلس خبرگان شرکت کردم ولی در قانون اساسی و رفراندوم جمهوری نه. در مجلس خبرگان می‌خواستم کسانی را انتخاب کنم که به آنها اعتماد دارم تا قانون مملکتمان را بنویسند ولی در رفراندوم جمهوری خیلی‌ها را انتخاب می‌کنم که به آنها اعتماد کنم.

رهبران می‌گویند که مردم برای "اسلام" مبارزه کردند، نه برای رفاه و آزادی. آیا نظر آنها معنای دیگری دارد؟ اما رحمتکشان اسلام را برای انقلاب مبارزه داده‌اند. در هر جائی که انسانها نشسته ایستاده‌اند، سخن در همه جا هر روز و شب ما هدایت می‌کنیم که مردم می‌گویند: ما انقلاب کردیم که حاکم بر سرنوشت خودمان باشیم، ما انقلاب کردیم تا دیگر بخاطر زور نگویند، ما انقلاب کردیم که دیگر بی‌پناه و بی‌مسکن نباشیم، ما انقلاب کردیم که آزاد و مستقل باشیم... آرامش شورش کارگر هستیم را مشخص می‌کند.

س - انقلاب کردیم برای آزادی؟ انقلاب کردید؟

ج - انقلاب کردیم تا آزادی داشته باشیم. ما زحمتکشان راحت بروی در دیر نباشد. می‌خواهیم در آینده دیگر استثمار نشویم.

زنان در جامعه با چه مشکلاتی روبرو هستند؟

س - زنان در جامعه با مشکلات و دوگانه‌ای سخت سروکار دارند. در کارخانه، در روستا، در اداره و خلاصه در همه جا زن به عنوان یک موجود درجه دوم شناخته شده. سرمایه‌داری اما مانعی می‌خواهد جلو آزادی زن و مرد را حائل کند، چرا که هدف او استثمار نیروی کار زن - سابقه این استثمار خیلی بیشتر بوده است. مرد درجه یک بیشتر بهتر - و با استفاده‌های سخت سنتی از وجود او و نیز این را یک کارگر زن نیز از همه در جامعه تحمیل می‌کند. مثلا زن برای قانون اساسی جمهوری اسلامی یک کیسه برنج و یک بسته سیگار و نظر او حقوق زنان را انکار کرده است.

س - شما آزادی زنان را چگونه می‌بینید؟

ج - زنان باید مردان برابر باشند ولی در جامعه ما اینطور نیست. دلم می‌خواهد جمهوری در جامعه ما مثل سرها باشد و دائما به آنها بگویند شو. دختری اینکار را نکن. مثلا مردها از ما جامعه سرمایه‌داری را نیز ورزش می‌کنند و جامعه موسسات لیسی را بنیاد می‌دارد!

ج - بی وقه جالب است. در زمانی که آمدم و دوران بچگی را هم در آنجا گذرانیدم وقتی سن ده ساله بودم ازدواج کردم. البته ازدواج با میل و رضای خودم نبود. باید بگویم مرا تو هر داده‌اند. سالهای اول ازدواج سخت‌ترین سالهای زندگیم بود. با فامیل شوهرم در یک خانه زندگی می‌کردیم. اطلاعات زندگیمان بدست خودمان نبود. با ۵، ۶ نفر دیگر در یک اتاق زندگی می‌کردیم و می‌ساختیم با هم بسازیم. هر حرفی مادر شوهرم می‌زد باید اطاعت می‌کردم. از صبح تا شب کار می‌کردم و کار می‌کردم و حق کوچکترین اعتراضی هم نداشتم. بمکه کار می‌کردم کرسکی و سختی و سرما و گرما بلا حائل می‌شود. اگر هم در سن ما غالب با ما روبرو می‌کردند مشکلم حق مردانی نگاه نمی‌کردم.

شوهرم در کارخانه آردسازی کار می‌کرد. بعد از مدتی بیکار شد. فعلا برای پیدا کردن کار جا هم نیست سابقا را زیرا گذاشته بود. دختری بسته بود از هم رفت ولی بی بچه برگشت با اینکه بالاخره در تهران ساکن شدیم.

دو بار به معادن مدتی شوهرم بیکار شد و ما هم خیلی بد شد. در تهران ما جا بودیم. در این دوره بیکاری بچه‌دار هم شده بودیم و کار زنان هر از بار سخت‌تر شده بود. بدنیا لباس بلکه حتی نان شب هم نداشتیم. غذای ما گاه نان و ماست بود. از رستوران هر چه و بیشتر آشکوری آورده‌ند. غذای شب و روزها هم شیر و ویلو بود. صبح وسیله زندگی نداشتیم بجز یک ریلو و چند بچه. بچه‌ها گریه می‌کردند لباس و میوه و کردن و وسائل دیگر می‌خواستند و ما هیچ چیز نداشتیم که به آنها بدهیم. حتی پول اجاره خانه

بقیه در صفحه ۱۱

تهران با خون و حماسه فتح شد

دانشجوی پزشکی قانونی تهران، صف طولانی شهدا را در خیابان جای داده است. آنها بر خاک افتاده‌اند و خون عزیز خود را وثیقه آزادی دیگران کردند. شهید شدند تا ما آزاد شویم. نامشان و یادشان گرامی باد.

درود بر تمامی شهدای راه آزادی و استقلال میهن

خاطرات رفیقی از مرکز زرهی شیراز در روز ۲۲ بهمن:

چگونه تیمسار فلاحی تا آخرین لحظه در مقابل مردم ایستاد

[illegible]

● سرهنگ مالک با سیم به تیمسار فلاحی: مردم به ما خیلی نزدیک شده اند و اگر بخواهیم جلوگیری کنیم همه آنها کشته می‌شوند.

● تیمسار فلاحی: مقاومت کنید. الان هلیکوپتر به کمک شما می‌فرستم!

[illegible]

(خاطرات رفیقی که در سرهنگ مالک افسر خوبی بوده [illegible])

★ ★ ★

تیمسارانِ جلاد شاهنشاهی و مهره های فاسد امپریالیسم و ارتجاع در اسارت: ابتدا عده ای از اینان در دادگاههای انقلابی به سزای اعمال خود رسیدند. اما بعد هایه "کلف" لیبرالهای خائن مشغول عفو و نرمش در دادگاه گشتند...

۲۲ بهمن اولین سالگرد قیام مسلحانه و شکوهمند خلقهای ایران گرامی باد!

مروری بر زمینه‌های اقتصادی ـ سیاسی قیام بهمن (۲)

در جنبش سرمایه‌داری وابسته، این مرجع ـ ترین و فاسدترین قشرهای جامعه هستند که حکومت میکنند. آنها هیچگونه پایه‌ای در میان مردم ندارند و از اسیر و جاره‌ای جز توسل به خشونت نازیترین نوع دیکتاتوری و زیر پا گذاشتن ابتدائی‌ترین موازین دموکراسی بورژوائی نمی‌یابند. در سیر جنبش دیکتاتوری است که امپریالیستها می‌توانند بهاریت نیروهای ملی و تحمیل سرمایه‌های خود موفق شوند. چون در غیر اینصورت، افشاء وسیع مردم و انجام مبارزه و مخالفت با سرمایه‌های امپریالیستی بر می‌خیزند که نظام جنبش و تحکیم دروغی خود را بکلی از دست می‌دهد. اصولاً یکی از ریشه‌های بارز سرمایه‌داری وابسته با جوامع سرمایه‌داری آزاد در روبای سیاسی آن است. دموکراسی "مفهوم" و روانی آن هرگز نمی‌تواند بطور در از مدت در جوامع سرمایه‌داری وابسته پا بگیرد. اگر در نظام سرمایه‌داری آزاد اساس دموکراسی خودبخود علی می‌شود برای رهائی از سرمایه‌داری، در نظام سرمایه‌داری از آنجا که این امپریالیسم است که عمدتاً رشد سرمایه‌داری را در زمینه‌های مورد نظر خویش فراهم می‌آورد، بنا جنین دموکراسی روبرو نیستیم. زیرا هر نوع آزادی و لیبرالیسم، اداره سلطه امپریالیسم و خاتمه سرمایه‌داری وابسته را که نهادهای آن عمدتاً بخشی و خارج از ساختارهای درونی جامعه است، تهدید می‌نماید. (۱)

تجاوزی است که به سال گودتای ۲۸ مرداد و حاکمیت سنجون و جرای آمریکا بر مقدرات کشورما. دیکتاتوری چون آنها پناه بعنوان دیکتاتوری طبقات غنی‌ها و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم بر مردم ما تحمیل کردند. رژیم پناه با تمامی اعتراضات محدود و مسالمت جویانه، جناحهای مخالف درون هیئت حاکمه را نمی‌توانست تحمل کند و ایجاد جریانات جرده را سفید ماه ۵۴، نمودار دیکتاتوری تمام عیار رویی با حفظ این رژیم در سطح جهان بود. بدین ترتیب در دوران سلطنت تا کمترین ندای آزادیخواهی بشدت سرکوب میشد. اما این وضعیت تا کی می‌توانست دوام داشته باشد؟ طبیعی است معروف که میگوید "فوار چون بلند شود سرنگون شود". شرایط اقتصادی و اجتماعی جدی رسیده بود که دیگر هیچ نیرویی نتوانست مانع از فرا رسیدن توفان عظیم انقلاب گردد. رشد ناپسند تضادها و بحران‌های اقتصادی و سیاسی در سال ۵۵ باعث شد که در بخش جناحهای هیئت حاکمه اختلاف سلیقه‌ها بروز کند. این اختلافات سرانجام بدین گونه جلوه‌ای یافت که احتمالاً زیر فشار نیروهای طبقاتی ادامه‌دار گشته

(۱) البته این بدان معنا نیست که در زمینه عدم سرمایه‌داری وابسته مطلقاً نمی‌تواند دموکراسی بورژوائی پا بگیرد. تنگی تحت سرمایه‌داری است که این چنین دموکراسی در جنبش سرمایه‌داری وابسته نمی‌تواند سرمایه‌داری را نفی نماید.

● مبارزات مردم خارج از محدوده که با شعاهائی وصف ناپذیر برنامه‌های خائنانه و ضد مردمی رژیم را در زمینه مسکن نقش برآب کرد، در تابستان ۵۶ و اوجگیری جنبش دانشجوئی در پائیز ۵۶ خبر از توفان عظیم انقلاب در آینده‌ای نزدیک میداد که قیام جوشن قم و تبریز سرآغاز پیرشکوه آن بود.

● جنبش توده‌ها آنچنان عظیم و پرتوان بود که دیگر جائی برای بند و بستها و بندارهای بورژوا ـ لیبرالها مبنی بر حفظ رژیم پوسیده سلطنتی باقی نگذاشت و توفنده و پرتوان تا نابودی رژیم سلطنتی شاه مزدور و ورود آوردن ضربات خردکننده بر پیکر امپریالیسم و سیستم سرمایه‌داری وابسته پیش رفت.

بعضی جمهوری خواهان، مدل ورشکستگی سیاسی در عرصه‌جهانی و بویژه در سوئی تاریخی اثر در جنگ ویتنام و سرنگونی اوضاع با سیاست اقتصادی آمریکا از هر سو مورد اعتراض قرار گرفته و در انتخابات آن سال با شکست روبرو گردیده و جناح دموکراتها سرنگونی قدرت نگهداشتند. جناح دموکراتها تلاقا علیه بی ارزوی گذاشتن نیروهای وفادار به آمریکا را در کشورهای تحت سلطه و از آن جمله رژیم شاه خائن را، در جهت سرمایه و سیاستهای خود قرار خواستند. بخصوص که وضع اقتصاد سرمایه‌داری در آنزمان دچار بحران شدیدی گشته و با آسیب‌پذیری و انفرادی سیاسی و محدودیت با تکاء اجتماعی

هیئت حاکمه و ادامه دیکتاتوری و خفقان بشیوه کهنه، جناب رژیم پناه با سیاست را سخنوری مورد تجاوز قرار میداد. رژیم حاکمه برای فرار از این بحران و نجات از چنگال فهر انقلابی توده‌ها بسوی موضعه ارتباط جدید در کاخ سفید و جناح به اصطلاح لیبرال هیئت حاکمه کوشیدند تا با بدنامی عقب‌نشینی‌های جزئی و ایجاد فضای به اصطلاح بازسیاسی و اعطای آزادیهای محدود، چهره کریه و ضد مردمی خود را آرایش دهد و به این ترتیب زمینه را برای بقای حکومت خود و ارباب امپریالیستش

فراهم نماید. اما هر عقب‌نشینی رژیم بجای آنکه بحران را فرو نشاند خود وسیله‌ای شود برای اوج گیری مبارزه و شعار مبارزه.

در اوائل سال ۵۶ بحران مسکن یکی از حلقه‌های اساسی سلسله زنجیر بحران اقتصادی رژیم سابق شد. سیاست‌های دولت هویدا را تحت فشار قرار داد. این بحران در سایه خود مبارزات مردم خارج از محدوده را که با شعاهائی و مضامین بر ضد رژیم شاه خائن و ضد مردمی جنبش را در زمینه مسکن نقش برآب کرده، بیشتر آماده ساخت. نکته مضمون به بر رژیم وارد آمده بود. جنبش دروغی رژیم

بقیه در صفحه ۱۱

خلق فریاد میزد: "رهبران ما را مسلح کنید"! اما رهبران اینرا نمی‌خواستند! از اینرو خلق خود ابتکار عمل را بدست گرفت و بدینسان قیام مسلحانهٔ ۲۲ بهمن آفریده شد!

"سیل" بجای "باران رحمت"!

از آنجا که کشور ما سرمایه‌داری وابسته است، عمده‌ترین درآمدهای کشور از نفت در سال ۵۳ با شروع بحران اقتصادی داشت. در سال ۵۳ درآمدهای نفتی بیست برابر قبل تقریباً ۴ برابر (۳/۹) تقریباً درآمد دولت ۲۰۰ درصد افزایش داشت. بهمین جهت برنامه‌ریزان رژیم شاه بهلوی تغییرات اساسی در برنامه‌ها دادند و بودجه‌ریزی سنتی تنها تعلق را دو برابر کردند و از ۲۲۶۱ میلیارد ریال به ۴۷۰۰ میلیارد ریال رساندند. جاری شدن پول نفت در اقتصاد کشور با شتاب سرسام‌آور تعلق درگشت بدنگی کل نیروی کار ایران داشت. درست است که عمده درآمد نفت بجیب نیروی کار وابسته به بخش خصوصی و بورژوکراتیک اصلی رفت، معهذا واقعیت نشان می‌دهد که بورژوازی لیبرال نیز سهم قابل ملاحظه‌ای از این ثروت باد آورده برد. رشد فعالیت رشته‌های غیرمولد و سودآوری چون بورس‌بازی، رشد ساختمان‌سازی، گرچه عمده‌ترین آنها در اختیار سرمایه‌داران وابسته قرار داشت و وسیع بورژوازی برای این نیروی وابسته بسیار می‌رفت، باعث گردید که بخشهای مهمی از بورژوازی متوسط ایران نیز به این رشد غیرتولیدی روآورده و نیروت انبوهی از این راه بچنگ آورد. واقعیت‌ها نشان می‌دهد که در عرض چند سال کشور کمپرادور سرمایه‌دار لیبرال مساعده‌ده که از حرکت سیستم عقب مانده و ورشکسته بدنیا بند. از این سالها سرکه نکردیم، اما سوءتغذیه از لیبرال از لحاظ اقتصادی موجودیت و رشد خود را در گرو وجود سیستم سرمایه‌داری وابسته می‌داند و وظیفه است که حامی و حافظ مرتجع این نظام پوسیده که با چنگال خود سودهای وسیع خلق را به طور عمده کارگران و دهقانان را می‌غارتند.

با این توصیف از موقعیت اقتصادی لیبرال نیز در سال ۵۳ نحوی می‌توان به موقعیت سیاسی این قشر از بورژوازی ایران پی برد. مخالفت ایشان با دیکتاتوری شاه از موقع ضد انقلابی و مخالفت دوری مستقیم از امپریالیسم از جانب ایشان بود و به جرد دیگر، کوشش لیبرالها در حفظ سلطنت شاه که حتی پس از مذاکرات به جانشینی بازرگان، سنجابی و حسیبی منجر به سلب ایشان و اعلام "غیرقانونی" بودن سلطنت شاه گردید همچنان ادامه یافت. "در یک زمان شاه بگوید که بنا بخواهد او همچون با همین سفیر بگرد... این آدم حتی در آخرین روزهای که من او را ملاقات کردم مستقیماً ذکر کرد که وضع مملکت در خطر است... کمیسیونها اعلام کرده‌اند که انقلاب ایران را نمی‌شناسند (آری لیبرالها بدین فرقه بودند که شاه انقلاب ایران را نمی‌شناخته است!) ... من به او گفتم اعلیحضرت باید از ایران خارج شوید و اموال سلطنتی را بیرون ببرید تا شرکت روحانیت رسیدگی شود. برای سوراخ سلطنتی باید اعتنایی به نظر آیت‌الله خمینی تشکیل بود... او همه این حرفها را رد کرد" (مصاحبه مقبولی سنجابی با اطلاعات ۵۸/۳/۹) (تاکید از ما است). همانطور که ملاحظه می‌شود حتی تا آخرین لحظه مرگ سلطنت، بورژوازی لیبرال تمام سلاش خود را بکار برد تا آن را حفظ کند و کار حکومت بهلوی به "حکومت اسلامی" هرچه سمدرتر و آرام‌تر صورت گیرد. "روزی که نمایندگان دولت بختیار تا آمده بودند به آنها گفتم که اتحاد دادند سر غلط از یکسو و ظلم و سعدی سازمان‌های دولتی و همچنین با سمال کردن حقوق ملت از سوی دیگر، مملکت را در سرنگاه قرار داده است. بنظر نگارنده آماده فرکوسه اشتباه است و اگر قرار بود سرنیست به انجام خواستهای قانونی و شرعی مردم اقدامات موثری صورت بگیرد باید منتظر عواقب خطرناک آن باشیم" (مصاحبه با آیت‌الله شریعتمداری، کیهان ۸ آبان ۵۷). اما عواقب خطرناک از جانب آیت‌الله شریعتمداری چه بود؟ روشن است با بودن سلطنت، با بودن سلطنت امپریالیسم (مراجعه بودیه اساسا میرنبوط)

رهبریان های بوده‌ای و موقعیت انقلابی توده‌ها در ماههای آخر سلطنت منفور پهلوی، وحشت بورژوازی لیبرال را از اقدامات قاطعانه توده‌ها بدنبال داشت. لیبرالهای زبون همچنان بدست و پا افتاده بودند که طلوع حرکت انقلابی توده‌ها را بکشند، راه‌حلهایی آرام و پرورشا موثا اوج رسوبی را می‌زدند. "حقیقتی ما مبارزه مسلحانه مخالف است و می‌خواهیم با توسل به قانون رژیم را وادار به تسلیم کنیم". (مصاحبه با کریم سنجابی، کیهان چهارشنبه ۱۰ آبان ۵۷) "اگر حکومت تصمیم کند ما وضعیت جدیدی خواهیم داشت و راه همه مطالب می‌توان پیدا کرد کرد". (مصاحبه کریم سنجابی با روزنامه موسسه لیبرال لوموند، کیهان ۱۷ آبان ۵۷) مذاکرات جبهه ملی‌گرایان لیبرال و آمریکایی در گوادولوپ که منجر به قبول طرح حرج سال و کنار گذاشتن شاه گردید مرا بط را برای انجام سازش تاریخی و حاشیه‌سازی بورژوازی لیبرال و امپریالیسم آمریکا فراهم آورد. سرخورده خصمانه این خاتمه مسلحانه و نیرنگ شاه بوده‌ها را وجود نشان دادند.

کشتن نوری ایمان را با نیرنگ ابله‌نوده‌ها نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که حقدرانیت از افتادن اسلحه بدست تدریجا توده‌ها جرأتی دارند "اگر انقلاب ایران مثل انقلابهای گذشته دنیا یک حمله نظامی و یا یک کودتا صورت می‌گرفت... البته برای خود من مشکلی داشت ولی از یک جهت خیلی راحت است. یک فرد یا یک عده خاص تدریب و صاحب نیروی نظامی می‌آیند و مواضع دشمن را از رادیو و تلویزیون گرفته تا پادگانها و استحکامات و دیگر ارتش را می‌گیرند و بعد مستقر می‌شوند و همه‌چیز را در دست دارند و برای آن این عمل را کرده، آن نظام را برقرار می‌کنند و خود من خاص تدریب است و نیروت و امکانات دارد مرحله‌ای را که آنطور که دلش می‌خواهد آنرا به انجام می‌رساند". (ایام، طلوع بیستم بازرگان، کیهان ۵۸/۲/۵) است مفهوم قیام مسلحانه توده‌ها از دیدگاه بورژوازی لیبرال ضد خلق. "تسلیم پادگانهای نظامی در روزهای سرنوشت انقلاب و بخش عمده اسلحه در دست مردم... باعث گشت این نظر بود که اگر ما انقلاب را با ضد انقلاب برگشت کند". (نقل از اعلامیه جبهه ملی ایران - مشکلات جوانان، کیهان ۱۷ خرداد ۵۸). عدم برخورد از نظر جبهه ملی بخش اسلحه در دست مردم و حفظ پادگانهای بود که بوسط امپریالیسم انجام گرفته. دیگر واضح است که این بخش از مبارزه قهرمانانه توده‌ها را لحظه کرد.

گذشت یکسال از رفتن میرنگوه بیش از مدت بحران مشخص را برای خلقهای ایران سپری داشت. در این مدت بورژوازی لیبرال ضد خلقی با همدستی جرده بورژوازی مرفه‌خصی ارتشی را که بیشتر مبارزات توده‌ها در هم شکسته شده بود، دوباره تجدید سازمان کرده و آنرا علیه انقلاب ایران بکار انداخت. دستگاههای عریض و طویل دولتی را که بکلی از بین رفته بود، مجدداً بکار انداختند. روابط خود را با امپریالیسم آمریکا استحکام بخشیدند و با انجام جدها و بندها عمل ضد خلقی دیگر، شرکت تازه‌ای از کشتار بورژوازی در عصر امپریالیسم نشان دادند. ■

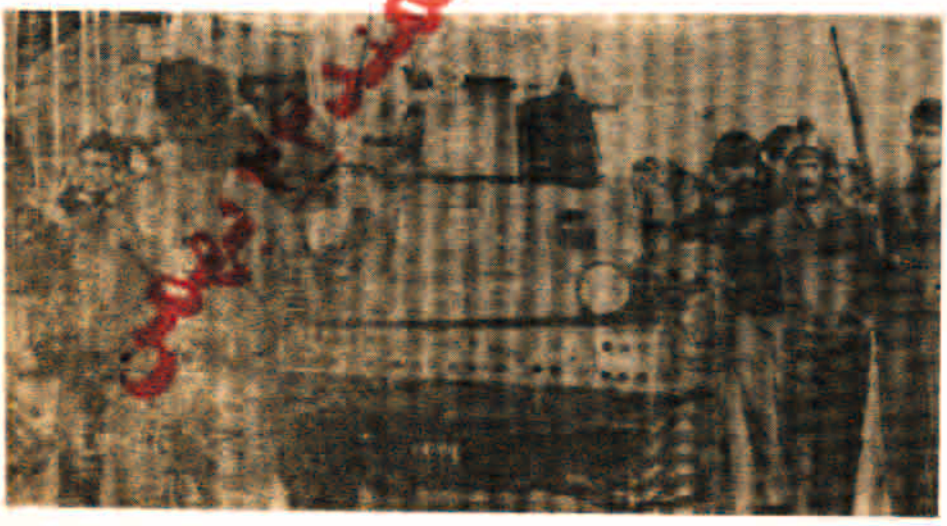

● جوانان مسلح زره پوشی را مصادره کرده‌اند: برای جنین روزی خلق ما چه خونها که نداده است!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بقیه از صفحه ۲ درسهای قیام...

حکومت پهلوی وقطع نفوذ امپریالیسم گرفته بودند آنان برای بدست آوردن آزادی واقعی واستقلال کامل مبارزه کرده بودند وبنابراین علیرغم دادن شهدای بسیار نمیتوانستند از انقلاب دست بکشند حال آنکه برعکس چون شهدا درخت تناور انقلاب را آبیاری می نمود.

سرنوشت انقلاب امپریالیستها را وامی داشت بحیات رژیمش را بکار آورده وشاه جایی را از ایران خارج سازند تا شخص شاه کشته نشود ولی مردم فریاد زدند: "نفت در ازای خون آمریکا ست" انقلاب به عقب باز نشست رهبران سرباران، اعدامیان و... برخاسته وبرای شکل ایجاد میکند، بصورتی که از یکطرف اختلافات و تناقضات بخشهای مختلف ارتش را شدیدتر کرده وبگرائی امپریالیستها را دامن می زند واز طرف دیگر نیروهای مسلح به ارتش وسایل سست به انقلاب را در میان توده های باشش امپریالیستی میدهد.

توده ها در شرایط عقب ماندگی سازمانهای انقلابی وکمونیستی درندارک تسلیح سازمانهای وسلیح مردم برای قیام عمدتا بشکل خودبخودی بدرستی از یکسو به تشکیل کمیته های اعتصاب و نیروهای کارخانه محلات، ادارات دست زده وبدین ترتیب نطفه های قدرت توده ای وانقلابی خود را بوجود می آورند واز سوی دیگر با نزدیکی قیام درخواست خود را بکار انداختن تمام خلاقیت خویش به ساختن واستعمال بمبهای آتشزا در رگبارهای خود با پلیس ودرگام بعدی به مسلح شدن وساختن بارریکادها وستگرهای دفاعی می پردازند. آنان در روحیه مبارزه وانقلاب شرکت خود را از نقاط مبدا دند. آنان علاوه تجربه می اندوختند و اندوخته ها را از بخشی به بخش دیگر انتقال میدادند وسرتا را روحیه انقلابی وفداکاری آماده ساختن در راه آزادی بودند.

توده های خلق با شوری انقلابی فریاد میزدند: "رهبران ما را مسلح کنید!"

سرتا را زیر بمباران مرگ میرود قیام میخواهند، ولی رهبری با نگرش خرده بورژوازی تا آخرین لحظه قیام از دستور قیام و مسلحانه اعتصاب نمود. خرده بورژوازی عدم قاطعیت خود را تحت این عنوان که "ضرورت قیام هنوز مشخص نیست" می پوشاند واز جانب دیگر انقلابیون از خشم پرولتاریا وتوده ها عقب مانده بودند.

تا آخرین قیام در ۲۱ و ۲۲ بهمن سرنوشت وقت تا پذیرفتن انقلاب توده ها نیروهای انقلابی را به پیکار از نخاع خلق مرده استارهای ارتش وپلیس را خلع کرده وبرای مسلحشدن سرنوشت واردنمودند. آنان در پی آن بودند تا خرمنطقی وسیاسی را بوجود بیاورند ولی علیرغم تمام مبارزه جانبازی، هاوزحمات فراوان فرا رسید با اینکه قیام توده ها به پیروزیهای بزرگی منجر و رژیم شاه را سرنگون نمود امپریالیسم و سازمان اطلاعاتی صهیونیستی خلقی رحمتکشان بکشتند.

چرا قیام توده ها به پیروزی قطعی نرسید؟ این سوال اساسی آن نیست که با بدون تحلیل شرایط

کبیره سوری درسهای قیام بهمن جواب این پرسش را برای ما روشن میکند ولی این درسها کدامند؟

انقلاب ما شش دولتی با دستگاه حکومتی را خرد وبنا بود نگرد. اکثریت مردم مسلح به پادگانهای ارتش حمله کردند وقیام در گرفت، تلاقا طبقه بران ارتش اعلام وفاداری نسبت به انقلاب اسلامی کردند. ولی این کار یک فریب جدید بود. این کار با کمک امپریالیستها وبرای سرپرده ارتش آمریکائی بود. زیرا با توجه به مساعدت و بحران درونی ارتش وخدمات رخنی آن وسرآنش جمع توده های عصیان زده، اگر جنگ ادامه پیدا می کرد وادامه آن در سراسر ایران گسترش می یافت این جنگ خونین ومقدس دیگر نیروی امپریالیستها و

با نزدیک شدن قیام، توده ها تمام خلاقیت خود را بکار گرفتند وبا استفاده از بمبهای آتش زا علیه پلیس، با سنگربندی در خیابانها، خود را برای مبارزه قطعی آماده نمودند.

نوکران بومیشان را نابکار ساخته بود میساخت. اما به جنگ منجر به برآمدن رهبری قاطع وانقلابی کرده وبحرانی مطلق شدن کامل ارتش میشد. آنها عقب نشینی کرده وارتش را از زیر ضربات سنگین خلق مسلح رها کرده وبا تکاه خود را حفظ کنند.

انقلاب در قبال دستگاههای سرکوب مانند ارتش پلیس، ژاندارمری، ساواک و... که در خدمت سرمایه داران وامپریالیستها بود به چه باید میکرد؟ انقلاب ما نیز تمام این دستگاههای خورد وسم را خرد وبا بود ساخته وارتش خلقی خود را جانشین نیروی ضد انقلاب ساخت. ما شش دولتی که یک عمر در خدمت استثمارگران وستمگران بوده، سنگهای در عوض صد روز بسمت طرفدار انقلاب ومردم گردد. این دستگاهها ما هنا ارتجاعی بوده وبسمت استثمار در جهت بودند، بنحوی که پس از قیام تا به امروز شاهد آن هستیم که چگونه همان ارتش شاهنشاهی تحت عنوان ارتش جمهوری اسلامی بسوی سرکوب خلق ترکمن، خلق دلاور کرد و... مسئول است ومطمئن باشیم همین ارتش وسایر قوای سرکوب جمهوری اسلامی فردا که موجهای سنگین انقلاب بلندتر با رهم کشتار وسیع خواهد نمود. بنابراین انقلاب مسایست ما شش دولتی را خرد میکرد واجازه نمیداد تا این اسرار سرکوب بعنوان یک دستگاه ارتجاعی باقی بماند جوهر اصلی انقلاب اینستکه همین ماشین دولتی سرکوبگر را قاطعانه درهم شکند وارتش وموسسات را بوجود آورد که واقعا در خدمت خلق باشد.

قیام به پیروزی نهائی نرسید زیرا قیام فاقد رهبری طبقه کارگر بود. قیام فاقد حزب طبقه کارگر بود حزب طبقه کارگر این قدرت را داشت تا با حفظ استقلال سیاسی - تشکیلاتی پرولتاریا، با نیروهای در آوردن تمام خلق بشکل قاطع مبارزه را تا نابودی کامل دشمن به پیش برد. چرا که حزب مستحکم طبقه کارگر، حزب طبقه ای است که بشکل سرسخت مبارزه را تا استقلال وآزادی است.

در واقع هر کدام از اقشار وطبقات با آنکه منافع طبقاتی آنها را وادار میکرد در جنبش شرکت میکردند، دیدیم که سرمایه داران لیبرال که اصل مبارزه با انقلاب بودند در همان حین قیام در پشت پرده در حال گفتگو جهت تماس با فرماندهان ارتش و آمریکا بودند افرادی مانند مهندس بازرگان که از

←

افراد هوائی، در لحظاتی که در گیری اوج گرفت، علاوه بر آنکه خود با دگاردیهاه در گیر شدند با شکستن اسلحه خانه، تعدادی اسلحه نیز در اختیار مردم گذاشتند. عکس گروهی از مردم را نشان میدهد

قیام بطور عمده با خون و فداکاری زحمتکشان به پیروزی رسید، اما لیبرالهای سلطنت طلب و فرصت طلبان از راه رسیده بردند حاصل آنرا

انقلاب بیشتر میترسند تا از ارتجاع، برای اینکه خلق‌های انقلاب را بگیرند و خود را بر سر قدرت بنشانند. در همان زمان قیام بعضی از وحشت نسبت به انقلاب دست زده بود.

دیدیم که رهبری خرده‌بورژوازی با تزلزل طبقاتی خود فریب لیبرالها را خورد و خود در ربایش که مردم را مسلحانه طلب میکردند همین را قاطعانه درهم کوبید و گفت: "وقت جنگ دیگر گذشته است و اگر چنین بازهم بالا بگیرد، دیگر نمیتوانند آنرا در سر نفوذ خود قرار دهد".

و دیدیم که طبقه کارگر در تمام مراحل چنین بیگیری تمام در چنین مرکب گروه‌های بسیاری در راه انقلاب ایران داد ولی از آنجا که آگاهی طبقاتی خود مسلح نبود از آنجا که متشکل نبود و حزب طبقاتی خود را نداشت، نتوانست رهبری جنبش را در دست بگیرد و نهضت دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلق را به پیروزی کامل برساند. فقط طبقه کارگر بود که میتوانست انقلاب را رهبری کند. فقط طبقه کارگر بود که میتوانست واقعا بدون هیچ تزلزل و هیچ سازشکاری با وحدت بخشیدن به دهقانان و با برافراشتن پرچم انقلاب را تا به آخر بخلوراند. ولی عدم وجود حزب طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست به طبقه کارگر امکان آنرا نداد تا چنین رهبری خود در آورد و بنابراین انقلاب در نیمه راه متوقف گردید.

کارگران و سایر زحمتکشان برای کسب قدرت سیاسی بعضی بدست گرفتن حکومت به انقلاب دست زدند ولی فقدان رهبری بیگیر پرچمش منحرف‌اند تا قدرت سیاسی در دست دیگران قرار گیرد. در حال حاضر بورژوازی حیثیت جا گذاشتن ارتش سرمایه‌داری وابسته و جانشین آمریکا، سرمایه‌داران لیبرال و خرده‌بورژوازی مرفه میباشد. اینان که قدرت را بدست گرفته‌اند سرنوشت طبقاتی خود یعنی نیاز به آزادی و استقلال ایران را تامین کنند و به خواستهای زحمتکشان و حقوق خلقهای ایران پاسخ انقلابی گویند، هیئت حاکمه کنونی که جمهوری اسلامی را نیز گردانیده‌اند ارتشال، به همه قرارداد‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی امپریالیستی را لغو نمود، به اساس کلیه جانبه و با واکنشها را قطع ساخت و آنان را اخراج نمود. به کارگران بیکار کار داد، به دهقانان زمین داد، به تجار و کرایه‌ای سرمایه‌آور را از بین برد، به ۴۰ ساعت کار در هفته را برای کارگران تامین کرد، به آزادیهای دمکراتیک را آنجا فراهم نمود و به جانبی و بیرکوب را از بین برد و نیروهای انقلابی و کمونیستی و خلقها به کار گذاشت. هیئت حاکمه فاشیستی اساسی ارتجاعی خود را با دور و کلک تصویب نمود. تا بتوانند در آن جا از حقوق خلقها بحث بگویند، از حقوق کارگران حرف بزنند، به ارتجاع و انقلابی بحث بگویند و از خلقی کردن صنایع و مصادره سرمایه‌های وابسته و امپریالیستی.

امروز کارگران بین ارتشال بیکار و تمام وقتی در جامعه بیکار هستند و بنظر اساسی جوابگو نیستند. بار هم میگویند: کار برای کارگر زمین برای برزگر.

وقتی که آنان از زندگی تحت وظایف فریبکارانه آمده‌اند و خشم خود را نسبت به جمهوری اسلامی نشان می‌دهند میگویند: "زن و بچه گرسنه صبر نمیکند دولت سرمایه‌دار حرف بزند" و یا کارگران در کنار سرپرستهای ممکن جامعه ما فریاد میزنند و خواهند زد: "ارتجاع، ارتجاع هر روز به روی کاره، انقلاب انقلاب هر روز ادامه دارد".

وظیفه طبقه کارگر در شرایط کنونی چیست؟

در شرایطی که چنین دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلق به تداوم خود ادامه میدهد، و سرود استقلال گسترده‌تری بگیرد و در حالیکه نمایندگان سرمایه‌داران با هنجاهای بورژوا لیبرالهای حاشیه خواستن محلی و روحانیون مرتجع و وابسته و... تلاش میکنند خود را برای سرکوب خلق سازمان دهند و در شرایطی که بدنبال نکست احزاب و رنگ لیبرال "نظریه میانه‌روی"، "سیاست آزادی ایران" و "جمهوری خلق مسلمان" مدتی این شعار جلاد هاهنجاهای میکوشند با کمک لیبرالهای رسوای دیگر بطور بزرگی و با غصب حزب جدیدی را به اعتبار خود ۲۱ میلیون رای ای که در استحاب آورده است ایجاد نمایند آری، در چنین شرایطی که این نهادهای مرتجع تلاش میکنند که به وسایل گوناگون چنین بوده‌ها را سرکوب نمایند و دستاوردهای قیام را نابود کنند، طبقه کارگر وظایف سنگینی بعهده دارد. در چنین شرایطی طبقه کارگر بایستی به مبارزات صنفی و سیاسی - انقلابی خود عمق بخشد و خود را هرچه بیشتر متشکل و متشکل سازد.

و همچنین صف نیروهای انقلابی را در مقابل نیروهای ضد انقلاب فشرده‌تر نماید. طبقه کارگر میداند که انقلاب به پایان نرسیده و برای تحقق انقلاب این مرحله بعضی درهم شکستن سرمایه‌داری وابسته، سلطه و نفوذ امپریالیسم و دولت حامی آن، بعضی استقرار جمهوری دمکراتیک خلق بر هژمونی طبقه کارگر، بعضی که برای اتحاد همه زحمتکشان و توده‌های تحت ستم با موجود آمده و با ادوار واقعی استقلال و آزادی کامل مبهم مانده‌اند.

بنابراین وظایف بس خطیری در مقابل کمونیستها و طبقه کارگر قرار گرفته است. برای پیروزی قطعی باید با آمادگی همه جانبه‌ای به پیش رفت. پیروزی واقعی چنین در گرو چنین آمادگی است.

گرامی باد یاد شهدای نیمه‌راهی که جان خود را در ۲۲ بهمن را آفریدند!

درود بر همه شهدای راه استقلال و آزادی میهن، مرگ بر امپریالیسم آمریکا و جانیان داخلی آن.

۵۸/۱۱/۱۹

اعلامیه شماره ۵۸

بقیه از صفحه ۹

داشته است. ادراکی مکانیکی و دور از منطق عینی و پیچیده، ارتباط هنر با عینیت، کمکی بما نخواهد کرد. مسئله این است که اکنون جستجو جهت آوری راه برای فعال شدن خلاقیت‌های هنر انقلابی، گشوده است.

حقیقت این است که زندگی در حال غلیان است. طبقات گوناگون، برهنه در صحنه حاضرند، وحدت تضاد‌ها و دوران دگرگونی و حرکات سرسام‌آور همه و همه، گوناگونی و ترکیب تاسی نهایت نوی از حوادث و مناسبات قابل تامل فراهم آورده است و بی‌تردید این زمینه مناسبی برای آفرینش خلاقانه ترین آثار هنری است. بشرط آنکه نمایندگان هنر انقلابی با سرعتی در خور به نفی همه عوامل رکود گذشته بپردازند. هرچه حقیقی تر با زندگی بیامیزند ثابت‌تر و صادقانه‌ترین احساسی را که از درک ملموس و مشخص زوایای آن در وجودشان شعله می‌کشد، زنده و پرخون تصویر کنند.

هنر انقلابی جسارت می‌طلبد، جسارت پشت سر نهادن اتاقهای دربسته، جسارت تن دادن به گردباد زندگی و بهره جستن از این چشمه سرزنده لایزالی که در اوج جوشش خویش است. آری تاثیرات قیام را بر هنر اینگونه باید دید و جشن‌ها روشنی را که در پیش گسترده است باید هرچه آگاهانه‌تر پیمود ■

زنده باد طبقه کارگر ایران:
کارگران صنعت نفت، در جریان اعتصابات تاریخی خود، اعتصاباتی که رژیم شاه را فلج کرد.

قیام ۲۲ بهمن بار دیگر ثابت کرد که در انقلاب خلقها بدون رهبری طبقه کارگر نابودی ارتجاع و محو سلطه امپریالیسم امکان‌پذیر نیست

هنر مقاومت هنر پرولتری

قیام

ضامن سازش کشیده شد
وانگشتهای خشم
ماشه‌ٔ منتظر قیام رافشرد

آه بنگرید شان
بنگرید شان
باهلهله های آشتی ناپذیرشان
در گرد باد ها
باصفوف خونین شان
آمیخته به زیباترین فریاد ها
بنگرید شان
این خلق مسلح منست
این خلق مسلح منست
که مهاجم و بی طاقت
غریو قهر خویش را
شلیک میکند
این خلق منست
که میجوشد ازژرفنای روزهای مشقت
میجوشد ازلحظه های بیاخاسته زحمت
میجوشد ازلابه های پنهان "گود ها"
میجوشد ازلابلای زنجیر کارخانه ها
میجوشد ازعمق تشنه کشتزارها
و می جوشد
می جوشد
می جوشد
وپیش می آید
درامتداد لحظه های قیام
تا غرق کند
درتلاطم خون خویش
پادگانهای عاجزدشمن را

آری درانتظار پایان این سرود
سرگذرگاه موجهای ملتهب می ایستیم
ناموس فریاد های روشن خود را
درسواحل تیره‌می‌افروزیم
وباصدای متحدآیهای سراسری می آمیزیم
درانتظار پایان این سرود هر، دم
درانتظار پایان این سرود هر، بارد م
ماتکرارمیکنیم
لحظه های نبرد را

(اسفند ۵۷)

یادداشت

ازقیام و ازهنر

ماهها موج زدن وبهم آوردن ، ماهها میل شگرف پیوستن ورستن ، ماهها زندگی رابگونه ای سخت تازه تجربه کردن ، ماهها وماهها رزمیدن وآخر در قیامی باشکوه نیروی عظیم حماسه های پاد ناآورد خویش راسرداد ن ،آری اینهمه نمی تواند تاثیر خویش رابرهمه‌ٔ شئون زندگی برجای نگذارد ، بر همه‌ٔ شئون ،وازجمله برزندگی معنوی طبقات!

جنبش تاثیری عمیق بر عواطف وروحیات توده ها باقی نهاده است .

باقی نهاده است . جنبش چه بسیاراحساسات تازه وتجربه نشده وپیراتب غنی تراز دوران سیرآرام جامعه رابعرصه ظهوررسانده است ودراین میان ، هنر که عمد تابرکیفیات زندگی تاکید میورزد ، نمی — تواند دراساسی ترین عنصر خیالی خود ، تغییر نپذیرد . هنرمقاومت ، هنرپرولتری نمی تواند محتوی‌ازاحساسات نوو پرشور نگردد .

اگرهنرمقاومت ،هنرپرولتری ، تادیروز در زیر لگدکوب حاکمیت بی تزلزل ضد خلق امکان جوش خورد ن باسرچشمه‌ٔ جوشان خلاقیت — زندگی — را ازدست داده بود ، اگرتادیروز دچارمحدودیت شناخت عواطف وروحیات توده هابود و با آنکه در صحنه‌ٔ زندگی قادربه تشخیص آن پنهان ترین احساسات شگفت انبوه عظیم رنجبران ، محرومان و زحمتکشان نبود وهمچنین ، اگرتادیروز ، زندگی هیچگاه تابدین مقیاس ، اجازه نمی یافت تصاویر ، صداها ونقش های بدیع وشورانگیز بیافریند ،و هنر اجازه نمی‌یافت این ژرفترین روحیات انسانها را خلاقانه کشف نماید وبازگوید ،امروزاما اینهمه تغییر یافته است .

اکنون اگرهنرد رسیم خاردارروحیات پست و ابتذال انفراد منشانه خرده بورژوازی خود را زندانی نکند ، بنحو حیرت آوری امکان آفرینش زیباترین وارجمند ترین آفریده های انسانی — هنر توده ای — راخواهد یافت ، هنری که بتواند هرچه عمیق تر جلوه های گوناگون زندگی را ،راستین و شفاف منعکس سازد و بدین طریق در پیشبرد امر تغییر جامعه ، دربدست آوردن یک شناخت درونی از خلق ، شرکت نماید .

مسئله آن نیست که طی قیام ، هنرتاچه اندازه تحول پذیرفته ومتقابلا چه تاثیری برحرکات توده‌ها

بقیه درصفحه ۸

ازچارجانب می آید

آیانمی شنوید
صدای گامهای انقلاب را
هنوز می آید
هنوز می آید
ازمیادین پایان نیافته نبرد
با هزار زخم برپیکر
با هزار نعره درگلو ؟
آیا نمی شنوید ؟
ازکارخانه های ملتهب می آید !
ازکشتزارهای سوخته !
از محله های رنج می آید !
از خانه های گرسنه !
ازتنگه های خونین کردستان
از سواحل توفنده‌ٔ انزلی
از زورآباد کرج می آید !
از آبشوران کرمانشاه
از چرنداب تبریز
از کرانه های خونین خلیج می آید
ولهجه‌ٔ شگفت و خشمگینش
موج می زند
موج می زند
موج می زند
آری
هنوز می آید
هنوز موج می زند
ودربسترخیابانهای خروشان براه‌میافتد
هنوز می آید
هنوز موج می زند
ودرپهنه های مشترک رنج متحد می شود
هنوز می آید
هنوز موج می زند
ودرچارجانب سرزمین محروم می توفد
آیا نمی شنوید ؟
صدای گامهای انقلاب
هنوز می آید.

(تابستان ۵۸)

آفتاب سرخ

نوشتم به شادمانی اندم شراب سرخ
گرشرق انقلاب دمد آفتاب سرخ
نارم بدان زمان کهه نیروی پتک ودماس
ملت نهد به گردن ظالم طناب سرخ
قربان آن دمی‌که زخون توانگران
دریای انقلاب شود پر حباب سرخ
خان را شراب سرخ بجام وزفرط جوع
ریزد زدیده دختر دهقانی آب سرخ
در خون خائنان وطن غسل واجب است
درشرع انقلاب به نص کتاب سرخ

(ابوالقاسم لاهوتی)

پیکار دمکراتیک و ضدامپریالیستی خلقهای قهرمان ایران تا محو سلطهٔ امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی ادامه دارد...

حزب توده از مشروطه خواهی تا قیام خلق

"کمیته مرکزی حزب توده" رویزیونیست همیشه علیه جنبش خلق بوده است. این حکم یک اتهام نیست، بلکه حکم دهها مستندی از سیاست و عملکرد این دارو دسته مرتجع و وابسته است. عامل تعیین کننده در سیاست "حزب توده" منافع و سیاستهای امپریالیسم روسیه شوروی است و در این ارتباط در نزد رویزیونیستها، برخورد با ارتکاز را به قدرت سیاسی حاکم به منظور کسب امتیازاتی چند، تکمیل کننده سیاست خیانت آمیز و ضد انقلابی آنان نسبت به جنبش خلق و نیروهای آگاه آن بوده است و می باشد.

برای ارزیابی از حرکت "کمیته مرکزی" در قبال قیام بهمن ماه توده ها، به گذشته چندان دور آن نگاهی کوتاه می اندازیم.

در زمان رژیم وابسته شاه خائن، رویزیونیستهای "کمیته مرکزی" براساس ماهیت سازشکارانه شان، می کوشیدند از طریق وجه المصالحه قرار دادن جنبش مردم و لحن براکنی علیه آن به رژیم سلطنتی شاه مردور نزدیک گردند. رویزیونیستها سالیان دراز در خارج از کشور با آسودگی خاطر، بدور از مبارزه حاد طبقاتی توده مردم بر سرهای سازش طبقاتی را صادر می کردند. آنان که از اندیشیدن به انقلاب، در هراس بودند، در برابر رژیم سرسپرده حاکم کرنش کرده و دست نکدی بسوی او دراز کرده تا اینکه بتوانند در قدرت سیاسی موجود سهیم گردند و بهمین خاطر آنان در شرایطی که مبارزه مردم در حال اوج گیری بود و انقلابیون - اگرچه جدا از توده ها - ولی دلیرانه و قهرمانانه جان می باختند، خواستار "استقرار آزادیهای دموکراتیک" در چهارچوب رژیم موجود می شوند و از زبان احسان طبری رویزیونیست اعلام می کنند: هدف تمدید مبارزه ما "اجرای آن طرزی است که در قانون اساسی ما تاکنون پنج شاه سه "اجرا" و حفظ آن پیشبینی کرده است" (از نشریه شماره ۲، ۱۳۵۰) و در تکمیل این سیاست خائنانه رویزیونیستها می گویند:

"آیا سرنگونی سلطنت استبدادی شاه ضمناً باید با براندازی سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ بنظر ما نه. حتی اگر این رژیم حکومت مطلقه و رژیم استبدادی موجود می بود، نه معنی اگر رژیم سلطنت و استقرار جمهوری که خواست نیروهای مردم و حزب ما است نیاید" (نشریه، مهر ۱۳۵۳) (تاکید از ماست).

بدین ترتیب در این منطق رویزیونیستها خواستار اجرای "قانون اساسی شاهنشاهی" و "سلطنت مشروطه" می باشند و بنا گزیر علیه جنبش خلق به سنگر گرفته اند. ولی با تشدید رقابت دو ابرقدرت آمریکا و شوروی و امکان آن در سطح ایران، سیاست پیشین "کمیته مرکزی" به تکست می انجامد. "کمیته مرکزی" که می خواست "دیکتاتوری شاه" را مدرنیزه به "دموکراسی شاه" تبدیل کند، این بار بدنبال گفتمان به طرح شعار "سرنگونی دیکتاتوری شاه" می پردازد و برای تحقق آن در پی برپا ساختن "جبهه ضد دیکتاتوری" تا شرکت "بخش دوراندیش هیئت حاکمه" وابسته به امپریالیسم می باشد. طرح شعار رویزیونیستی جدید سازمان تفسیر ماهیت "کمیته مرکزی" بنحوی که پس از قیام خونین مردم دلیر ایران در بهمن ماه ۵۶ "کمیته مرکزی" اعلامیه ای انتشار می دهد و در آن می گوید:

"در جریان این حوادث [منظور قیام خونین و قهرآمیز ایران است] رژیم سلطنتی به شیوه همیشگی خود با دست زدن به یک سلطه خرابکاری به دست جاقوکشان و اوباشان ساواک در انظار گسترده این سرزمین آدمکشانه خود را توجیه کننده و

● سال ۱۳۵۰ - احسان طبری رویزیونیست: هدف مبارزه ما "اجرای آن مقرراتی است که در قانون اساسی ما تاکنون پنج شاه به اجرا و حفظ آن سوگند یاد کرده اند"!

● سال ۱۳۵۳ - حزب توده: آیا سرنگونی سلطنت استبدادی شاه حتما باید با براندازی سلطنت بطور کلی همراه باشد؟ بنظر ما نه ...!

نیست. منظور او از "سرنگونی دیکتاتوری" نه برانگیختن انقلاب قهرآمیز توده ها، در هم شکستن ماشین دولتی بوروکراتیک - نظامی، نابودی سرمایه داری وابسته و سرنگونی بورژوازی کمپرادور و سلطه امپریالیسم، بلکه به "عقب راندن" "استبداد ساواکی" شاه است که مانعی در برابر نفوذ بیشتر شوروی در ایران و شرکت "کمیته مرکزی" در پارلمان و دولت شاهنشاهی می باشد.

اعلامیه ها و رادیو قهرمانانه مردم دلیر ایران برای سرنگونی رژیم وابسته شاه گسترده میشود و انقلاب در روند خود به شکل قیام مسلحانه ای ارتقا می یابد. سلسله مبارزات توده ها ضد انقلاب را به زبونی و استیصال کامل کشانده و تضادها و تناقضات آنرا رشد می دهد. "کمیته مرکزی" به یاری هیئت حاکمه می شتابد و جنبش قهرآمیز مردم را لحظه به لحظه می کند

● سه نسل در قیام شرکت کردند: نسل دیروز، نسل امروز و کودکان، یعنی نسل فردا ...

کسانی که با استفاده از حقوق مطبوعاتی خود در نشریات منظم دست به تظاهرات زده بودند مورد آزار و اذیت واهانت قرار دهد".

بله، رویزیونیستها که مخالف قهر انقلابی توده ها هستند، اقدامات انقلابی آنان از قبیل به آتش کشیدن بیش از ۷۲ بانک امپریالیستی را "خرابکاری... جاقوکشان و اوباشان ساواک" قلمداد می نمایند.

ضد انقلاب برای جلوگیری از طغیان انقلابی توده ها مذبوحانه به سیاست سرکوب متمرکز و وحشیانه روی می آورد بنحوی که در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ هزاران تن از توده های متمدید را قتل عام می کند و با تظاهرات قهرآمیز و ضد امپریالیستی دانشجوئی در ۱۳ و ۱۴ آبان ۵۷ رابطه می کند. در این هنگام رویزیونیستها که از مبارزات قهرآمیز و قیام مردم که کلیه قوانین ضد انقلاب و از جمله قانون اساسی ارتجاعی شاه را آشکارا و کاملا نقض کرده و سرنگونی رژیم وابسته را در دستور کار قرار داده، هراسانند. رویزیونیستها با شعار "نه از سرنگونه محکوم کردن جنبش قهرآمیز مردم پرداخته و از سوی دیگر می کوشند تا شاه را از سر "عقل" بیاورند و او را به اجرای قوانین ارتجاعی و تعدیل استبداد و اختناق وادار نمایند. بنحوی که "کمیته مرکزی" تظاهرات انقلابی آبان ۵۶ را به پلیس نسبت داده و می گوید:

"تا ساعت ۹ صبح روز بعد تعدادی از دانشجویان احساسات به محیط یک پلیس دانشگاه جمع شده و به کار دانشگاه برای تبلیغات [illegible] دادند".

از سخنرانی کمیته مرکزی، ۳۰ آبان ۱۳۵۶: "پس رویزیونیستهای توده ای زمانی که فقط کمتر از ۴ ماه تا قیام بهمن ماه ۵۷ باقی مانده است در سر به خود می گویند:

"در این کشور [illegible] و جنبش آن [illegible] دارد که اگر با [illegible] روح و [illegible] آنها را [illegible] می [illegible]. اگر کوچکترین [illegible] برای آنها وجود داشت [illegible] مبارزه [illegible] و [illegible] می [illegible] نمی توانند [illegible]".

←

"اگر هر قوانین موجود مراعات گردد، دست خودسری و استبداد تا حدودی بسته است. ولی همین قوانین موجود با گستاخی وسیع بروایشی عجیبی (!) با سمال جکمه‌پوشان شاه و جاکرانش می شود."

(دنیا، شماره ۹، آذر ۱۳۵۷)، (تاکید از ماست).

روشن است که در حوالی قیام خونین توده‌ها و در متن موقعیت انقلابی جامعه، "کمیته مرکزی" خواهان اجرای قانون شاهنشاهی و محدود نمودن استبداد است و برایش عقیده می باشد که در چهارچوب رژیم حاکم باید "انتخابات عمومی انجام گیرد تا مبارزات قهرآمیز و انقلابی توده‌ها بدفعات کشیده نشود. ایرج اسکندری رویزیونیست می نویسد:

"تا زمانیکه جبهه واحد دیکتاتوری بر پایه برنامه مشترک تشکیل نشده است، مبارزات رژیم تا چارچوبهای منفعت سرخواهد شد. برخی از حزبهای سیاسی مبارزه علیه رژیم را صرفاً تحت شعار سرنگونی بطور مستقیم، برای نیل بهدف کافی می دانند و لذا اصولا استفاده از شیوه دیگری را غیر از اعمال قهرمستقیم و یورش بلاواسطه به سنگرهای قدرت رژیم، مجاز نمی شمارند. درحالیکه حزبهای دیگر معتقدند اتحاد روشی است که حزبها به مبارزات مشخص و تحت شعارهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی میتوانند با مسئول با محض ارکان اساسی رژیم بروز و اجتناب و تصرف مواضع مهمی که رژیم برای اعمال سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک خود در اختیار دارد. نیل بهدف مشترک را آسان و ممکن الحصول بارد. برنامه‌هائی بسیار که در مورد رژیم آینده از جانب سازمانها و حزبهای سیاسی و اجتماعی اعتبار برنامه مبارزه مقاومت است. برخی راه نجات کشور را در تشکیل یک حکومت اسلامی میدانند، حزبهای دیگر در عین اینکه اجرای موارد زیر شریعت را لازم میدانند، معتقدند به حکومتی است که طبق قانون اساسی تشکیل و با شعارهای دیگر بر اساس سلطنت مشروطه اداره شود. حزبهای سیاسی سوم تحت شکل حکومت آینده را موکول به انتخابات عمومی و آراء مردم و قانون اساسی جدید نموده است و بر انجام در طرح برنامه‌های حزب توده ایران ضمن اعلامیه ۱۲ شهریور که اسناد داده تشکیل یک حکومت ائتلاف ملی بر پایه جمهوری برای اجراء وظایف ضد دموکراتیک، ضد امپریالیستی و رفاهی پیشنهاد شده است."

(دنیا، شماره ۸، آبان ۱۳۵۷)، (تاکیدات از ماست)

بقیه از صفحه ۵

مروزی بر...

با تعویض هویدا و روی کار آمدن آموزگار نه تنها کمتر نشد، بلکه ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد. فشار مردم از پائین مرتبا افزایش می یافت و جنبش توده‌ای اوج بیشتری می گرفت و این حرکت توده‌ای خود زمینه را برای عقب نشینی بیشتر رژیم فراهم می ساخت. اوجگیری جنبش دانشجوئی در پائیز ۵۶ خبر از توفان عظیم انقلاب در آینده‌ای نزدیک میداد و قیام خونین و برانگیز آغازی خونین و برانگیز بر آن بود.

جنبش توده‌ای از همان ابتدا قاطعیت سیاسی نظامی را در سرنگونی سلطنت در نابودی سلطه امپریالیسم از خود نشان میداد. تجربیات تلخ انقلاب مشروطیت و انقلابها و قیامهای پس از آن به مردم این را نشان داده و فهمانیده بود که ادامه رژیم سلطنتی دست نشانده امپریالیسم هیچ چیز جز فقر و بدبختی و نکبت بهمراه ندارد و دیگر هیچ شعاری جز سرنگونی رژیم سلطنتی و نابودی سلطه امپریالیسم نمی تواند در دستور انقلاب قرار گیرد. دیگر دوران شعارگیهای دور و فرمیستی جبهه ملی و نهضت آزادی سپری شده بود و خشم و کینه توده‌ها نسبت به شاه، رژیم سلطنتی و عوامل و اربابان امپریالیسم بحدی رسیده بود که تنها سرنگونی کامل رژیم می توانست اوج گیری انقلاب را برای مدتی فرو نشاند. توده‌ها خواستار مبارزه و تصفیه حساب قاطع با عوامل ارتجاع و ارتش تا دندان مسلح آمریکائی بودند و اینرا با شعارهای انقلابی خود در دوران بعد از فرار شاه، شعارهائی چون "بعد از شاه نوبت آمریکاست"، "وای بروزی که مسلح شویم"، "رهبران ما را مسلح کنید" و ... بخوبی نشان دادند و این در حالی بود که لیبرالهای جبهه ملی و نهضت آزادی آقایان سنجابی و بازرگان و ... به اتکاء پشتیبانی و حمایت روحانیون مذهبی میکوشیدند تا ارتجاع و امپریالیسم بدا گره بنشینند. اما جنبش توده‌ها آنچنان عظیم و برنده بود که دیگر جائی برای جا زدن دادن ها و بندوبستهای بورژوا لیبرالهای ما نبود خود بخود و با امواج پر تلاطم خود بی اعتنا به پیدا و ریاکاریهای لیبرالهای ما مستی بر حفظ رژیم پوسیده سلطنتی نوشنده و برتوان تا نابودی رژیم سلطنتی شاه و وارد آوردن ضربات شدید بر دیکتاتور امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته همچنان به پیش می رفت.

از سیاست رویزیونیستی "حزب سیاسی سوم" و با شعار دیگر "کمیته مرکزی حزب توده" چه سیاستی بدست می آید:

ادامه دارد...

بقیه از صفحه ۳

یکسال پیش از...

مخفی و عذاب بالاخره پادوند. چند سال بعد هم مریض شد. با همه دوا و دکتری که کردیم اثر نداد و مرد.

س - چند تا بچه دارید؟

ج - هفت تا، چهار تا دختر و سه تا پسر.

س - همه بزرگند؟

ج - نه، وقتی پدرشون مرد، دختر بزرگم سرده سالش بود و پسر کوچکم ۶ ماهه بود. الان دختر بزرگم دو سالیه که ازدواج کرده و یک بچه هم دارد. پسر کوچکم هنوز مدرسه نمی رود.

س - خودتان تا بحال کار کرده اید؟

ج - اوائل عمرم پدرشان در یک فروشگاه کار میکردم کار سختی بود ولی از حیلی کارها راحت تر بود. اغلب می توانستم بچه‌هایم را با خودم به سر کار ببرم. مدتی هم اخیراً در کفش ملی کار کردم.

س - از بعد از مرگ شوهرتان زندگیتان چگونه می گذرد؟

ج - یکی از آشناهای شوهرم ماهی پانصد تومان پول و پانصد تومان خواروبار برای ما می آورد البته بشرط اینکه من کار نکنم. ولی مگر با ماهی ۱۰۰۰ تومان ۶ نفر آدم میتوانند زندگی کنند؟

کفش ملی از جمله کارخانه‌های بزرگ است که به علت نوع تولید از کار ارزان زنان کارگر بصورت زیادی استفاده می نماید. صاحب آن ابروانی معروف، بخارج گریخته و امروز کارخانه در دست دولت قرار گرفته و به اعتلاج ملی شده است. اما آیا دیگر کارگر استثمار نمی شود؟! و یا حتی مدت استثمار پائین آمده است؟ آیا صرفاً اسم "ملی" کردن می توانند درد کارگران را چاره کند؟

س - از کارتان در کفش ملی بگوئید.

ج - حدود ۶ ماه آنجا کار کردم و بالاخره کارفرما مرا راهم بدا نمیشم هر روز ما جبانه بدرخانه ما می آمدو می گفت "اگه بای دیوار جنگ نمیشی باید پول بدی. شما الان سه برجه گرانه" اتاق مرا نشان داد "وضع کاری اردبیت ما نمی آمد. بالاخره شوهرم کارنگهبانی در یک کارا زرا پیدا مدتی در کارا زکار میکرد هر شب ما صبح آنجا بود غروب که بچه‌ها از مدرسه برمی گشتند او میرفت گاهی میتوانست روز بچه‌ها را ببیند. بعد از مدتی دوباره بیکار شد و بالاخره آخر عمری کار با دولتی در یک سنگاه را پیدا کرد. بعد از ۵ سال اخراج کرد. کارش در قسمت فروشگاه بود. اوائل هر شب که بخانه می آمد اشک دست هایم رحم بود و از آن جون می آمد، ولی کم کم عادت کردم.

س - چرا اخراج شد؟

ج - بخاطر بچه‌ها. اول که رفتم سرکار دو سه کوچکم را پیش آنجا میگذاشتم ولی دائما دعوا میکرد. با وجود اینکه ماهی ۲۰۰ تومان حرفی بچه‌ها را میداد. بالاخره در زمستان امسال هر دو سرم با هم آبله مرغان گرفتند. با خواهش و تمنا دو روز مرخصی گرفتم ولی چون بچه‌ها هم خوب نشدند مجبور شدم چند روز دیگر هم سرکار بروم. دفعه دوم مادرم از رشت آمده بود. یک روز سر قسم کارخانه. روز بعد که رفتم کارفرما سطلب قسمت را بدیرا اخراج کرد■

گرامی باد سالروز نبرد قهرمانانهٔ سیاهکل

در ۱۹ سپتامبر سه سال پیش گروهی از رزمندگان قهرمان فدائی خلق به رهبری رفیق علی اکبر صفائی فراهانی با پایگاه زائدالوری سیاهکل را مورد حمله قرار دادند و پس از خلع سلاح آن و مصادره اسلحه برای مردم به پایگاه خود بازگشتند.

عمل قهرمانانه این رفقا در آن سالهای سکوت و خاموشی اگرچه بظاهر کوچک و بزرگی نسبی جریانی نسبی نوانست بیشتر نیروهای توده‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. اما با قرار دادن قهرمانی انقلابی در برابر قهرمانی انقلابی سست نویسی در سیاست و برنامه، با ورائی نیروهای انقلابی علیه رژیم مزدور شاه با کوشش و نیروی طبقات پوسیده، رفرمیستی و با راه‌های سازشکارانه‌ای که دلسرد آنها و حزب توده مطلع آن می‌خواستند خط بطلان کشید.

رژیم مزدور شاه قبل از این حمله جنایتکارانه با ایجاد دگمه نیروی رشادی را برای سرکوب و نابودی این رفقای قهرمان بسیج کرد. در جریان [illegible] نیروهای قهرمان شاه، رفقا محمدی [illegible] و [illegible] اسحاقی [illegible] شدند.

سرانجام رژیم مزدور شاه [illegible] ۲۴ رزمنده انقلابی را که بعضی از آنها زیر شکنجه [illegible] در [illegible] ۵۴ نفر از [illegible] این رفقای [illegible] شدند.

علی اکبر صفائی فراهانی، جلیل انفرادی، [illegible] سپهرادی، [illegible] و [illegible] از گروه جنگل [illegible] جلیل انفرادی [illegible] و [illegible] فراهانی و [illegible] سازمان [illegible]

حمله به اجتماعات فدائیان خلق را محکوم میکنیم

در جریان برگزاری دهمین سالگرد حماسه سیاهکل در تهران و ساری و گنبد [illegible] اجتماعات و راه‌پیمائی‌هائی که از جانب سازمان [illegible] جریانهای فدائی خلق برگزار شده بود، حمله [illegible] اعمال از این نیروها با حملات دسته‌های مزدور به نیروهای مترقی و انقلابی که از جانب [illegible] های مرتجع حاکم و احزاب و گروههای [illegible] سازمان داده شده بود، این نیروهای دسته‌های مزدور که بنام "حزب الله" و "حزب [illegible]" و غیره عمل میکنند با عکس‌العمل روز خصمی [illegible] کشیده‌اند. بنظر ما این گونه حملات ارتجاعی و [illegible] با بی آن سیاست سکت‌های بی دردسر با [illegible] های ارتجاعی و نیروهای انتلاشی می‌باشد. با تسلیم محکوم نمودن این گونه اعمال ارتجاعی به کلیه نیروهای مترقی خواه و انقلابی هشدار می‌دهیم که بدلیل رشد [illegible] و نیروهای انقلابی و سرخورده‌گی جریان‌های ارتجاعی با تمامی همیاری خود را برای مقابله و خلوگیری از این گونه اعمال بالا میبرند.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۸/۱۱/۲۰

منتشر شد :

● مناسبت اولین سالگرد قیام مسلحانه خلق ، تقویمی سیاسی که در آن روزهای مهم تاریخی ، شهادت انقلابیون بزرگ و دیگر اتفاقات مهم سیاسی ایران و جهان مشخص شده از طرف سازمان انتشار یافته است .

کتابهای منتشر شده :

● کتاب خلق کرد چه میخواهد و چه میگوید ؟ بزبان ساده برای استفاده کارگران
● جزوه "سود ویژه و شورای انقلاب"
● کتاب "درباره" نیروهای سیاسی ترکیه " نیز بزودی منتشر میشود

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران